



14 اکتوبر 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

## شرح مختصر پیرامون اعلامیه ای تحت عنوان: "کشف الحال نادر به قلم اعلیحضرت امان الله خان" (قسمت چهارم)

موضوع سوم: حیف و میل پول ملت

در اعلامیه آمده است: «حملات دیگر شان عبارت از نیست که من [امان الله غازی] ده کروور روپیه آورده ام [یک کروور یعنی هزار لک معادل 10 ملیون میشود] این [ادعا] تماماً افترا است. چرا که ده کروور روپیه در افغانستان يك مشت موجود نبود و بانک های اروپا موجود است که البته از آنها پرسیده شده می تواند و حقیقت را منکشف کرده می تواند.

بهتان دیگر شان اینست که من پول هایی که برای اشیای خریداری در اروپا آورده و آن را در جیب خود انداختم. این پولها در کجا بودند و از کدام درک بموجب کدام فرمان گرفته شده. مبلغی که از خزانه به سفارت های افغانی فرستاده شده بذریعه سفارت های مذکور در بدل اسلحه و کارآمد به دول فرانسه و ایتالیا تادیه شده که در حساب سفارت های مذکور به وزارت مالیه افغانستان موجود است. وکلا تحقیق کرده می توانند.

من خودم اصول بودجه حکومتی یعنی جمع و خرج را اول دفعه در تاریخ وطن شیرین خود معرفی نمودم. با این اراده بود که مصرف خودسرانه که روسای حکومت عموماً به خیال و خواهش نفسانی خود اجرا می کنند، آنرا جلو گیری و به تدریج دست تصرف کیفی پادشاه را از مالیه دولت کوتاه نمایم.

چطور می شود این طور يك شخص را به حیف و میل پول ملت طعن بدهند. برای همین بود که تا بودجه از مجلس وزرا و شورا نمی گذشت به معرض اجرا نمی آمد. در سال آخر که شورای ملی را تجویز و انتخاب مستقیم آزاد وکلا را برای شورای ملی معرفی نمودم نیز خیال داشتم که اختیار خرج ملت را يك درجه بیشتر از سابق بدست وکلای ملت بگذارم تا آنها به تدریج به اصول بودجه دولتی و حق شرعی و طبیعی خود آگاه شده بروند.

با تلقین و معرفی این اصول، ساده و بی غرضانه مرا به حیف مال مملکت محققاً متهم ساخته نمی توانند. البته غیر حق خلاف حقیقت گفتن، همه چیز ممکن است. من این مسأله را نه تنها در قوانین و نظامات نوشتم، بلکه عملاً اجرا کردم و تحریرات من مثل اعلان خط مشی محمد نادر نبود که در آنجا صریح مسؤولیت حکومت را وعده داده و تا امروز برای مسایل مالی نی بلکه برای قتل بی گناهان که بی ثبوت امر داده می شود هیچ مسؤولیتی برای خودش یا برادران او یا یکی از اقربای دور دست او موجود نیست. تنها قرابت با ایشان و خویشاوندان یا به یکی از منسوبان این خاندان از هر نظامنامه بیشتر کار می دهد.»

در ارتباط با مندرجات متن فوق لازم است به توضیح چند موضوع با اختصار پرداخت تا درپرتو آن قضاوت سالم صورت گرفته بتواند، از جمله:

شاه امان الله غازی در بیانیه وداعیه خود حین حرکت از کابل بسوب قندهار بتاریخ 7 قوس 1306 (29 نوامبر 1927) گفت: «چیزیکه مرا در اروپا می فرستد، نوق و شوق خودم نمیشد؛ مجلس وزراء به رفتن من تصویب کرده اند». هدف سفر شاه به معیت ملکه و همراهان بر علاوه اینکه از اهمیت سیاسی خاص در راستای تحکیم روابط با جهان متمدن اهمیت بسزا داشت، جنبه مهم دیگر آن تلاش برای پیشرفتهای اقتصادی کشور بود. وقتی در سال 1305 با انفاذ تعداد زیاد نظامنامه ها مکلفیت های دولت در امور انکشافی بیشتر محسوس گردید و چون این هدف ایجاب دسترسی به وسایل و امکانات تخنیکی را میکرد، مجلس وزراء و شورای دولت ناگزیر بود برای پیشرفت در ساحات معارف، مطبوعات، عمران، مخابرات، صنایع و زراعت و نیز برای تقویه بنیه نظامی دولت به تهیه لوازم و وسایل مدرن بپردازد که باید از ممالک اروپائی خریداری کردند. برای این منظور لازم دیده شد تا هیئتی معتمد مرکب از اشخاص وارد در موضوع به اروپا اعزام شود. مجلس وزراء تصویب نمود که باید برای برآوردن این همه مقاصد علمی و فنی

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

شخص خود پادشاه در راس هیئت قرار گیرد. در عین زمان از سال 1301 به بعد دعوت نامه های رسمی از طرف چند کشور رسیده و از شاه افغان دعوت شده بود تا از کشورهای شان دیدار نماید. لذا شاه امان الله غازی این وظیفه را قبول و به معیت ملکه ثریا و همراهان سفرخویش را بتاريخ 7 قوس 1306 آغاز کرد. شاه و هیئت معیتی از طریق قندهار، چمن و کویته نخست به کراچی و سپس به بمبئی [مامبی] و از آنجا توسط کشتی به بندر پورت سعید مصر و بعد از دیدار از قاهره، به کشورهای ایتالیا، فرانسه، بلژیک، جرمنی، انگلستان، پولند، روسیه شوروی، ترکیه و ایران ادامه داد و از طریق هرات و قندهار بتاريخ 21 جوزا 1307 دوباره به کابل مواصلت کرد. (برای شرح مزید و گزارش جزئیات این سفر دیده شود: وکیلی پوپلزائی، عزیزالدین: "سفرهای غازی امان الله شاه در دوازده کشور اروپائی و آسیائی، چاپ دوم، پشاور، 1379)

از آنجائیکه بعضی از مخالفان در آنوقت برنتایج مالی این سفرهفت ماه و چند روزه شاه امان الله غازی انتقاد و وسیله تبلیغ خود علیه شاه قرار داده بودند و آنرا موجب صدمه بزرگ برپیکرمالی دولت واثمود میگردند (چنانچه بعداً در مصوبه لویه جرگه نیز این مطلب ذکر شده است)، شاه برای رفع این انتقادات گزارش تحریری سفر خود را از آغاز تا انجام و برگشت بوطن تهیه کرده و بتاريخ 14 سرطان 1307 به ادارت دولتی سپرد و بر روز 8 میزان متن آنرا در محضر مامورین دولت قرائت کرد. او در گزارش خود ضمناً از یک قرضه دولت جرمنی به مبلغ 6 میلیون مارک یاد کرد که برای خریداری وسایل مورد ضرورت دولت از آن کشور استفاده نموده که مشتمل بر اقلام ذیل بود: 19 قلم ماشین و آلات صنعتی و زراعتی، 8 قلم لوازم نظامی، 7 قلم فابریکات مختلف، 6 قلم وسایل طبی و ماشین های حساب و غیره، همچنان 8 قلم وسایل ترانسپورتی و بعضی اقلام دیگر. شاه در گزارش خود برای تقویه بنیه نظامی کشور از خریداری اقلام آتی یاد آور شد: - 53500 تفنگ جاغوردار رقم انگلیسی ضم هر میل تفنگ یک هزار کارتوس؛ - 106 توپ ضم هر میل صد مرمی؛ - 8 فروند طیاره، - 6 میترالیوز؛ - 5 عراده موتر زره پوش نظامی؛ - یکصد هزار کلاه فولادی حربی، - 350 عدد دوربین نظامی. همچنان هیئت بعضی اقلام را از دیگر کشورهای از بودجه دولت خریداری کرد و نیز یک تعداد وسایل به قسم تحفه از طرف مقامات دولتی بعضی کشورها به شاه امان الله تقدیم گردید. (برای شرح مزید و ذکر جزئیات خریداری ها از قرضه جرمنی دیده شود: مأخذ بالا...، صفحه 113 تا 115)

شاه امان الله غازی در گزارش خود مصارف سفر را با آنچه از این سفر عاید کشور گردید، چنین خلاصه کرد و گفت: «به تمام مصارفی که ما کرده ایم، غیر از خریداری ها، مصارف مانند خرج عید استقلال، دعوت ها، اعانه ها به بلدیها و شفاخانه و شعبات تبلیغ و افغانهای بی بضاعت [برهند]، بخشش ها، مخارج هوتلها، کرایه ریل ها، جیب خرج هیئت، جمله 19 لک و 51 هزار (1.951.000) [1.9 میلیون] افغانی و در مقابل عایدات از قبیل سوغاتها، تحفه و هدایا مبلغ یک کرور و بیست و یک و هشتاد و هشت هزار (12.888.000) [12.8 میلیون] افغانی که بعد از وضع اصل خرج، فائده محض برای ما یک کرور و نه لک و سی و هشت هزار (11.938.000) [11.9 میلیون] افغانی میماند».

او همچنان در بیانات خود تصریح کرد و گفت: «این را که آیا این سفر برای چه بود و چطور کامیاب شدیم، کاملاً به فیصله وجدانی شما وزراء و رؤساء، خوانین و نمایندگان شما ملت میگذارم و کافه علما و فضلاء مقیم پایتخت و تمام مملکت را متوجه این حقیقت می سازم تا در غیاب و حضور بدین عواملی که من انجام داده ام، مشوش و مشتبه نباشند... همان فایده است که حساب دخل و خرج آنرا کاملاً محمدمحسن خان مصاحب من به وزارت مالیه داده اند و میرهاسم خان وزیر مالیه را مامور ساخته ام که خود شخصاً با محاسبین ماهر دیگر مورد دقت و سنجش قرار داده تمام جزئیات را سنجیده بقناعت ارباب حساب و دفاتر امروز و آینده بپردازند، تا حسابات مصارف و عواید من در این سفر تقریباً هشت ماهه ناقص و مشبوه باقی نماند.» (برگرفته از متن بیانیه شاه امان الله مندرج مأخذ بالا...، صفحه 218 - 219)

در اعلامیه ضمناً از نظامنامه بودجه عمومی که در سال 1301 نافذ و تمام امور مالی دولت اعم از عواید و مصارف را برای هر سال مشخص و قید میکرد و وزارت مالیه را به بررسی قبلی و بعدی حسابات مصرف بر طبق تخصیصیه های معین مندرج بودجه ملکف می ساخت، تذکار رفته است. قبل از تنفیذ این نظامنامه مصارف دولت فقط به امر پادشاه و بصورت عندالاقضاء صورت میگرفت و هیچ مقررهای در زمینه وجود نداشت. اما در "انقلاب قانون گذاری" دوره امانی جای صلاحیت های عام و تام پادشاهان قبلی را قانون گرفت، چنانچه در مدت شش سال اول سلطنت شاه امان الله غازی با وجود مشکلات ناشی از شورش به اصطلاح "ملای لنگ" در ساحات جنوبی کشور به تعداد بیش از 80 نظامنامه (قانون) تصویب و مرعی الاجراء گردید که بذات یکی از بزرگترین تحولات در تاریخ کشور محسوب میشود.

اینکه خریداریهای فوق الذکر بعد از سقوط دوره امانی به چه سرنوشت مبتلا شدند و اینکه چه تعداد از وسایل خریداری شده به کشور وارد و در دسترس قرار گرفتند، سؤال است که به دلیل تحولات بعدی روشن نیست، زیرا پس از برگشت شاه از سفر و متعاقباً تدویر لویه جرگه در پغمان بتاريخ 6 سنبله 1307 (29 اکتس 1928) اوضاع کشور دچار بحران گردید که ریشه های آن بیشتر به دوره غیابت شاه حسین سفر هفت ماهه به خارج از طرف مخالفان او به تحریک انگلیسها برمی گشت. شاه امان الله در اثر قیامها در شنوار و جلال آباد و در عین زمان پیشرفت قوای سقوی در حواشی کابل ناگزیر شد از سلطنت دست بکشد، نخست به قندهار و پس از آن به دلیل اجتناب از جنگ و برادر کشی بین اقوام کشور مجبور به ترک وطن گردید.

در این زمینه شایعات زیاد موجود است که بسیاری از وسایل خریداری شده که در بندر کراچی مواصلت کرده بودند، توسط هند برتانوی در گداهای بندری برای مدت زیاد توقیف و فرسوده شده از بین رفتند و بعضی اقلام از جمله تفنگ ها و ضمایم مرمی آنها در اختیار حامیان سپهسالار محمدنادرخان قرار داده شدند. در کتاب "نادر چگونه به پادشاهی رسید؟" اثر سیدال یوسفزی که گفته میشود نویسنده اصلی آن سیدقاسم رشتیا میباشد، چنین آمده است: «نادر قبل از داخل شدن به خاک افغانستان با دوست قدیمی خود "ریچارد میکانیکی" مستأشار سابق سفارت انگلیس در کابل که در این وقت وظیفه حساس "پولیتکل ایجننت" علاقه کرم (کورم) را به عهده داشت، ملاقات نموده و میکانیکی راجع به جریانات اخیر و اوضاع فعلی قبایل به او معلومات داده و ضمناً طرز العمل را که باید انتخاب نماید، برایش خاطر نشان نمود... نادر بعد از گرفتن این هدایات و معلومات به مشوره برادران خود پلان عملیاتی را ترتیب داد و اولین اقدام او فرستادن شاه محمود خان برای جمع آوری نمایندگان قبایل جهت تشکیل جرگه قومی در گردیز بود و خودش با شاه ولی خان در علی خیل جاجی مرکز گرفت و به ارسال نامه ها و اعلانات چاپی برای رؤسای قبایل و دید و بازدید با سران و ملکان قومی مشغول شد. شخص دیگری که در این وقت نزد او آمد، ایم. آی. حکیم بود که قبلاً بحیث رابط بین او و مامورین انگلیسی معرفی شد بود، بطوریکه در اوراق محرمانه دولت برتانیه به مشاهده میرسد، نامبرده مبلغ زیادی از پول حکومت افغانستان را که در دوره امان الله خان برای خریداری های حکومتی توسط "ابتر" تاجر آلمانی مقیم کابل به پشاور انتقال داده شده بود، بحیث نماینده شرکت "ابتر" در اختیار خود داشت.»

نویسنده کتاب "نادر چگونه به پادشاهی رسید" در ادامه می نویسد: «اینک به هدایت "ولتن" چیف کمشنر پشاور از موجودیت این مبلغ به نادر اطمینان داد و نادر که در قدم اول به اسلحه، مخصوصاً تفنگ و کارتوس ضرورت زیاد حس میکرد، از او خواهش نمود تا با پول مذکور از تفنگ های انگلیسی که از آغاز بغاوت شنوار در "لوارگی" و دیگر علاقه های خیبیر به تعداد زیاد و به نرخ ارزان از طرف خود انگلیس ها برای مسلح ساختن قبایل علیه امان الله خان به فروش گذاشته شده بود، خریداری و بزودی ارسال نماید. نادر عین خواهش را از میرزا عبدالحکیم وکیل التجار پشاور نیز نموده بود تا از پول حکومت افغانستان برایش اسلحه خریداری و ارسال نماید، لیکن میرزا عبدالحکیم که از عزایم او خبر داشت، از قبول این خواهش او انکار ورزیده بود. نادر چون از اینطرف مایوس شد توسط صاحبزاده شیخ محمدصادق که او هم بحیث قاصد معتمد برایش معرفی شده بود، مکتوبی برای همفریز که هنوز در پشاور بود فرستاد و مطالبه پول نمود.»

نویسنده کتاب مذکور می افزاید: «نادر درین مکتوب که در اسناد محرمانه دولت برتانیه موجود است، عجالتاً دولک کلدان را ظاهراً بنام قرضه مطالبه نمود بود و علاوه کرده بود که خواه آنرا بصیغه شخصی به اعتبار خودش بدهند و خواه به اعتبار حکومت افغانستان فرقی نمیکند، گویا نادر در همین وقت خود را زمامدار آینده افغانستان تلقی نموده و پولهای حکومت افغانستان را از آن خود میدانست و هم بنام حکومت افغانستان از انگلیس ها مطالبه پول میکرد.» (سیدال یوسفزی: "نادر چگونه به پادشاهی رسید؟"، چاپ دوم، پشاور، 1381، صفحه 72 تا 74)

(ادامه دارد)